فهرست رساله قیافه و در شناخت خطوط دست و پای مرد و زن که از آن سعادت و شقاوت معلوم شود

نوع دوم در شناخت خطوط دست و پا ۱۶		
۱۶ خطوط پیشانی و گلو و بند دست	۱۷ خطوط کف دست	۱۸ خطوط بندهای انگشتان
۱۹ چلہ در انگشتان سنگ و در بطن انگشتان بدم در بطن انگشتان	۲۰ کوڑھی	
نوع سوم در بیان قد ۲۰		
فصل دوم در بیان شناخت قیافه زنان از پا تا سر		
۲۱ کف پا پشت پا شکل قدم	۲۳ پاشنه شتالنگ ساق اندام نهانی	۲۴ سرین کمر ناف
۲۵ شکم سینه پشت پهلو مری بر پشت لعس بن بر	۲۶ پستان کف دست ناخن	۲۷ گردن گلو زنخدان غبغب
۲۸ دهان دندان بن دندان زبان کام بینی	۲۹ رخسار چشم ابرو گوش پیشانی	۳۰ خال پیشانی موی سر موی پیش سر موی گردن [illegible]
تمت	۳۱ بوی تن [illegible] قد بسیار خوار بسیار خواب پرگو بسیار خشم	تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله الحکیم الحمید الفعال لما یرید الذی خلق العبید فمنهم شقی و سعید
والصلوة والسلام علی افضل الخلق و احسن الخلق محمد المبعوث بالبینات
الفاتح لابواب الخیر والسعادات و علی آله و عترته الکرام و صحبه هداة الاسلام
بعد ازین مخفی مباد که این رساله ایست در علم قیافه و معرفت خطوط دست و پا
و غیر آن که علامت خیر و شر و سعادت و شقاوت مرد و زن از آن معلوم شود
و آن مشتملست بر دو فصل

فصل اول

در معرفت قیافه مردان منشعب بدو شعبه

شعبه اول

در معرفت بتیس لچهن (٣٢) یعنی خصائل سی و دو گانه و علامات
سی و دو گانه که دلالت بر خیر و سعادت کند و آن متنوعست بدو نوع

نوع اول

در بیان بتیس لچهن (٣٢) بحسب خصلت و سیرت بدین تفصیل اول حسن

حسن خلق و نیک محضری دوم شرم و حیا سوم حلم و بردباری چهارم حسن عقل و
تفطن و صاحب فطرتی پنجم صلاح و تقوی ششم اصالت و نجابت هفتم خوبی
طبع و صفای ذهن هشتم صاحب کمالی و عالی شانی نهم علم و هنر دهم
تواضع و فروتنی یازدهم استقامت مزاج دوازدهم لطف و رحم سیزدهم
تشرع و دینداری چهاردهم لطافت و ظرافت پانزدهم محبت و دلداری
شانزدهم اعتدال مزاج و شهوت هفدهم زنده دلی و سکر و جی هیجدهم یار باشی
وخوش معاشی نوزدهم عصمت و عفت بیستم کم خواری بست و یکم کم خوابی
بست و دوم خدمتگاری مرشد و بزرگان بست و سوم حق گزاری اهل
حقوق بست و چهارم کارهای خیر و ثواب کردن بست و پنجم جود و سخاوت
بست و ششم زهد و ورع بست و هفتم حسنه و نیکی در حق مردم بست و هشتم
سخندانی و شعر فهمی بست و نهم عدالت و نصفت سی ام شجاعت و جوانمردی
سی یکم حق گزاری و خدمتگاری مخدوم سی و دوم قدردانی خادم نوع
دوهم در بیان بعضی حسن بحسب خلقت اعضا و صورت ازانجمله انچه
سرخ باید هفت عضو است اول ناخن دوم چشم سوم لب چهارم کام پنجم
زبان ششم کف دست هفتم کف پا و آنچه باریک و تنگ باید پنج است

اول بندهای اعضا و مفاصل دوم دندان سوم جلد بدن چهارم ناخن پنجم
موی و آنچه پر و فربه باید سه است اول پیشانی دوم رخساره سوم سینه و آنچه دراز
باید پنج است اول بینی دوم فاصله هر دو پستان سوم چشم چهارم زنخ پنجم
بازو و آنچه کوتاه باید چهار است اول کتف و دوش دوم ذکر سوم ران چهارم
گردن و آنچه بلند باید پنج است اول پیشانی دوم چهره سوم ناخن چهارم سینه پنجم
بینی و آنچه عمیق باید سه است اول ناف دوم آواز سوم عقل پس عقل مشترک
باشد میان سیرت و صورت و اعضای مذکور که در هر دو نوع ذکر یافت مشترک
باشد میان مرد و زن مگر بعضی چیز که مخصوص مرد است مثل شجاعت و درازی
و کوتاهی ذکر و غیر آن **شعبه دوم** در معرفت علامات خیر و شر و سعادت
و شقاوت و آن متنوع است بسه نوع **نوع اول** در معرفت علامات خیر و شر
و سعادت و شقاوت بحسب خلقت اعضا از سر تا پا بدین تفصیل پیشانی بلند
علامت بخت آوری و دولتمندی بود و پیشانی کشاده بحد اعتدال هموار و خوش اندام
مثل نصف ماه علامت سلطنت و دولت بود و پیشانی پهن و کشاده علامت
علم و دانش بود و پیشانی تنگ و پست علامت کوتاهی عمر و بدبختی باشد و پیشانی
ناهموار و پست و بلند علامت رنج و محنت و گذرانیدن عمر بسختی و دشواری

بود شواری باشد و خال بر پیشانی علامت بخت آوری بود سبب خرد در سر
یعنی در منتهای منبت موی سر مقابل ابرو و طرف چپ و راست سر که موی نباشد
علامت بختاوری بود ابروی کشیده و خوش خم و دنباله دار علامت دولت
و سلطنت بود و ابروی پیوسته علامت دزدی باشد و ابروی بهم کم مو
علامت نکبت و فلاکت بود اگر استخوان میان هر دو ابرو بسیار بلند بر آمده باشد
علامت دولت و سلطنت بود چشم سیاه و سفید که رکهای سرخ در وی پراکنده
باشد علامت شاهد پرستی و نظر بازی و بهره مندی از زنان بود خصوصا
اگر خال سیاه بر سطح بیاض دیده باشد چشمیکه برنگ چشم شیر بود یعنی اندک
نیکوتی زند علامت شجاعت و تهور باشد و چشمیکه مثل چشم گاو و کلان بود
و بیضهٔ دیده اش بلند بر آمده باشد علامت وقاحت و بی شرمی و چشمیکه
مثل چشم گربه ازرق و کبود و سبز رنگ باشد علامت بدخلقی و بیمروتی
بود خصوصا اگر گرد حدقه مثل زنار دارد مانند سنگ سلیمانی طوقی دیگر باشد
و مع هذا اگر آن مرد کوسج بود بدتر باشد بینی دراز بلند باندام علامت دولت
و سعادت بود و بینی مثل منقار طوطک که اندکی نشسته دارد از پیش خمیده و
میانه باندام بود آن نیز علامت دولت و سعادت بود و هر بینی که در درازی

وکوتهی وبلندی وپستی وباریکی و فربهی میانه وخوش اندام وخوشنما بود علامت
نیک باشد وبینی بسیار بلند وباریک وپشته دار علامت سبکساری وبینی
پست وپهن علامت شهوت بود وبینی که از میان وازپیش وپس بلند باشد
علامت شرارت وبدذاتی بود وبینی باریک کج چنانچه سر بینی وپره افتاده
باشد علامت بدخلقی وبدرویی بود وبینی گنده وفربه وفراخ علامت نخوت
وتکبر بود وهر بینی که در درازی وکوتاهی وباریکی وفربهی وبلند وپستی از حد
اعتدال متجاوز بود پسندیده نباشد گوش کلان وپهن علامت عمر دراز
باشد وگوشیکه در درازی وکوتاهی ولاغری وپهناوری بحد اعتدال بود
علامت سعادت واخلاق پسندیده باشد وموی برگوش علامت رنج
ومحنت بود وکام وزبان سرخ علامت دولت ومال بود وکام وزبان سفید
علامت نکبت وفلاکت باشد وزبان سیاه علامت شقاوت وبدبختی باشد
وزبان فربه وخشک علامت دروغگویی باشد لثه سیاه یعنی گوشت بن
دندان که سیاه باشد علامت دولت ومال بود ولبهای سرخ علامت سعادت و
دولت بود ولبهای سیاه علامت نکبت وبددولتی باشد اگر لب زبرین کج
یا سطبر باشد علامت رنج ومحنت بود ودندانهای خرد وباریک بحد اعتدال مثل

مثل دندانهای انار علامت دولت وسعادت بود دندانهای براق و جلادار
علامت دولت و مال بود یا علامت فقر و ترک دنیا باشد دندانهای بی رونق
و بی جلا و کم و زیاده و از هم پراکنده و دراز و فاصله از مثل دندانهای
خرس و خوک این همه علامت رنج و محنت و نکبت و فلاکت بود دندانهای
بالائی دندان پیوسته علامت دولت و مال باشد دندانهای ناهموار علامت علم
و هنر بود سی و دو دندان علامت دولت و عیش و عشرت باشد سی و یک دندان
علامت دولت و سلطنت و سی دندان علامت نیک باشد و بیست و نه دندان
علامت رنج و محنت بود و دندان زیاده از سی و دو و کم از بیست و نه علامت
ظلم و بی رحمی و قساوت قلب بود زنخ مدور خوش گوشت و دراز و کوتاهی
و فربهی و باریکی میانه علامت سعادت و دولت بود و خال بر زنخ علامت
زنانگی و زن طبعی بود و باید که مردان بران بوسه زنند رخسارها
خوش گوشت علامت دولت بود اگر در وقت سخن گفتن و خندیدن بر رخسار گو
افتد علامت سعادت و دولت بود چهره باریک خوش گوشت مائل بدرازی
علامت شرم و حیا بود دهان تنگ مثل غنچه گل علامت سعادت و دولت بود
و دهان مثل موش و اسپ علامت نکبت و فلاکت بود گردن باریک علامت

بینی
لب
چهره
دهان
گردن

زیرکی و دانائی بود و گردن فربه و کنده علامت نکبت و فلاکت بود و گردن
مثل گردن غاز یعنی دراز و باریک و خمدار و حلقوم از پیش برآمده علامت نکبت
و فلاکت و [illegible] باشد گردن کوتاه علامت شیطنت و شرارت بود و گردن
دراز از حد زیاده علامت دزدی باشد و گردن نیکو در درازی و کوتاهی و فربهی
و باریکی میانه و بحد اعتدال باشد علامت سعادت و دولت بود و قفا مثل قفای
فیل یعنی اندکی برآمده و پشته دار علامت نکبت و فلاکت است پشت خرد و میانه
علامت سلطنت و دولت بود و پشت دراز و پهن و از حد اعتدال علامت
نکبت و فلاکت باشد بازوهای دراز علامت هوشمندی و دانائی بود و بازوی
خورد علامت بندگی و غلامی بود و بازو در درازی و کوتاهی و فربهی و باریکی
میانه علامت سعادت و دولت بود اگر دست راست از دست چپ درازتر
بود علامت شجاعت و تهور باشد و اگر دست چپ از دست راست درازتر بود
علامت جبن و بددلی باشد آرنج مثل آرنج شیر یعنی پر گوشت و خوش اندام
علامت دولت بود و آرنج مثل آرنج اسپ یعنی قوی و پر گوشت علامت
شهوت و دولت باشد و آرنج خشک و باریک مثل آرنج بوزینه علامت نکبت
و فلاکت و اگر بندگاه پنجه دست مثل شیر بود و چنانچه ساعد پنجه دست یکسان نماید

پنج انگشت

نماید علامت دولت وتهور وشجاعت باشد خال سیاه در کف دست چنانچه
اگر مشت به بندد در مشت بیاید علامت دولت ومال ونعمت بود چون انگشتان
دست را باهم متصل ساخته راست بدارند اگر در پنج انگشتان بابین هر دو
انگشت فاصله نماید ودریچه دراز نماید علامت آنست که آنکس صاحب تصرف
بود ومال پیش او جمع نشود واگر فاصله نماند ودریچه ننماید علامت آنست که

انگشت

آنکس ممسک باشد ومال پیش او جمع شود واگر انگشت خنصر دست راست دراز باشد
چنانچه از بند اول انگشت بنصر بگذرد آنکس در دولت ونعمت از پدر خود زیاده

پستان

گردد هر دو پستان فربه علامت دولت ومال بود اگر پستان چپ فربه
تر از پستان راست باشد اورا زن خوب نصیب گردد ودو پستان لاغر کم

استخوان

گوشت علامت نکبت وفلاکت بود هشت استخوان در پهلو علامت سلطنت

پهلو

وپادشاهی بود ونه استخوان در پهلو نیز علامت سلطنت ودولت بود
وده استخوان در پهلو علامت فقر ودرویشی باشد ویازده استخوان در پهلو
علامت کمال زهد وپرهیز بود ودوازده استخوان در پهلو علامت رنج
ومحنت وفلاکت بود وسیزده استخوان در پهلو علامت دولت ومال بود

شکم

وچهارده استخوان در پهلو علامت دزد وگناه باشد شکم کلان علامت

نعمت و مال بود و شکم پر گوشت خوش اندام نیز علامت نعمت و دولت باشد و شکم دراز بی گوشت و بگور رفته و با پشت چسپیده علامت نکبت و فلاکت بود
ناف عمیق خوش گوشت علامت دولت و مال بود و گر بسیار دراز علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر ذکر از طرف راست بلند تر باشد زن خوب و نیک بخت نصیب او گردد و اگر از طرف چپ بلند تر باشد او را فرزندان و اولاد بسیار شود اما از زن خوب بی نصیب باشد و در رنج و محنت بود و اگر سر ذکر بلند و پشت آن پست تر گردد زن خوب نصیب او شود و بعیش و عشرت بگذراند و اگر بعکس این بود یعنی پشت ذکر بلند تر باشد و سر آن پست تر بعکس آن باشد یعنی از لذت جماع محروم گردد و زن از وی ناخشنود ماند خال سیاه بر ذکر علامت عیش و عشرت با زنان بود و اگر منی کسی بوی بهی داشته باشد علامت کثرت اولاد و فرزندان و مال و دولت بود و اگر بوی شهد داشته باشد علامت عیش و عشرت با زنان بود و اگر بوی مست و تلخ داشته باشد طبیعت آن مرد بر فسق و فجور و زنان راغب و مائل بود و در وقت بول کردن اگر یک فواره از ناره جهد علامت دولت بود و اگر دو فواره جهد علامت علم و دانش باشد

باشد و اگر سه فواره جهد علامت زهد و تقوی و پرهیز بود و اگر چهار فواره جهد
علامت نکبت و فلاکت باشد ران که مثل ران آهو باشد یعنی پر گوشت و ران
خوش اندام بود علامت دولت و سعادت بود و ران مثل ران اسپ یعنی دراز
و قوی و پر گوشت علامت دهقانی و کشاورزی بود و ران مثل ران شیر
یعنی مختصر و قوی و پر گوشت علامت دولت و مال بود و ران بسیار دراز
کم گوشت و بسیار خرد و فربه بد اندام علامت بزه و گناه باشد موی بسیار موی ران
بر ران علامت خواهش و رغبت بر زنان باشد و اگر موی بالکل نباشد
علامت نکبت و فلاکت بود و اگر در هر مسام یک موی رسته باشد علامت
دولت بود و اگر دو موی در یکجا رسته باشد علامت علم و دانش بود
و اگر سه موی در یکجا رسته باشد علامت عبادت و خداپرستی باشد و اگر
چهار در یکجا رسته باشد علامت نکبت و فلاکت بود و مویهای درشت و
کنده در بدن مثل موی گاو و فیل علامت علم و دانش و شهوت باشد
و مویهای نرم و باریک علامت رنج و محنت بود و مویهای دراز در
بدن علامت درازی عمر بود و مویهای خرد و کوتاه علامت نکبت
و فلاکت باشد ساق پای پر گوشت خوش اندام علامت دولت بود ساق

وساق پای قوی مثل ساق جاموس علامت آنست که زن خوب نصیب شود
وساق پای خشک کم گوشت علامت نکبت و فلاکت باشد زانوی
کلان خوش گوشت علامت دولت و عیش و عشرت باشد و زانوی کلان
بسیار گوشت علامت نکبت و رنج و محنت باشد و زانو مثل زانوی شیر و یوز
علامت سلطنت و دولت بود و زانو مثل زانوی آهو و موش و خوک
نیز علامت دولت باشد و زانو مثل زانوی بوزینه و خوک و خرس و شغال
علامت نکبت و فلاکت بود و پاشنه پای درازی و کوتاهی فربهی و لاغری
میانه علامت دولت بود و پاشنه پر گوشت علامت دزدی بود و پاشنه
دراز دلیل رنج و فلاح میانه باشد و بسیار خرد علامت نکبت و فلاکت باشد
پشت پا خوش گوشت خوش اندام مثل پشت کشف علامت سعادت
و دولت بود کف پا کم گوشت که میانه کف پا بر زمین نباشد و کاواک
مانند علامت سعادت و دولت بود و کف پا پر گوشت که میانه کف پا
بر زمین رسد و هیچ کاواکی نماند علامت بد دولتی باشد و در زنان بعکس آن
باشد ناخنهای دراز نصفی سرخ و نصفی سفید و انگشتان هموار و باهم
ملاصق و مجتمع چنانکه قدری فرجه نباشد علامت سعادت و دولت بود و ناخنهای

ناخنهای پا پیچیده و از هم ترکیده و ناهموار و سفید یا زرد و پنجه پا پهن و انگشتان
از هم جدا علامت بدبختی و ذلتی بود و ناخنهای پا که بسیار سیاه باشند علامت زندانی
و بند و زنجیر و سرگردانی و پریشانی بود و انگشتان پا خرد و کوتاه علامت بدبختی
بود و بغایت خرد و کوتاه علامت دزدی بود و انگشت ابهام که از انگشتان
دیگر جدا و بفاصله باشد علامت رنج و محنت و مشقت و جنگجوئی باشد
و انگشت میانه پا که از انگشت سبابه درازتر بود علامت آنست که زن نیک
نصیب او شود و اگر انگشت بنصر پای از انگشت میانه و سبابه درازتر بود
علامت آنست که زن خوب و نیک نصیب او شود و علم و دانش آموزد
و اگر انگشت خنصر پا درازتر بود علامت آنست که مردم برو طعن زنند
و مذمت کنند و اگر انگشت مذکور خردتر بود علامت علم و دانش باشد
استخوانهای دست و پا و غیر ذلک دراز و خوش گوشت
باشد علامت سعادت و دولت و راحت و آسودگی بود و استخوانهای
دراز خشک کاواک بی گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و استخوان
خرد و کوتاه بسیار گوشت نیز علامت نکبت و فلاکت باشد **خون**
بدن که سرخ خوشرنگ باشد علامت دولت بود و اگر مائل بکبودت
تیرگی

وسیاہی بود علامت عیش وعشرت باشد واگر نیم رنگ بانگ کلگون بود علامت
رنج ومحنت وکثرت اولاد دختران باشد آواز مثل آواز ہنس علامت
سعادت ودولت بود ومثل آواز طاؤس یعنی بسیار بلند وصاف وخوش
نیز علامت دولت بود ومثل آواز قوچ علامت شہوت ومستی بود وآواز
درشت منتشر مثل آواز دہل علامت نکبت بود نوع دوم در بیان معرفت
خطوط دست وپا وغیرہ یک خط در پیشانی بعرض یعنی از شقیقہ تا شقیقہ
علامت دولت ومال بود ودو خط علامت سلطنت ودرازی عمر بود
وچہار خط علامت بد دولتی ودرویشی باشد وپنج خط نیز علامت بد دولتی
بود وعدم خط در پیشانی علامت ترک دنیا باشد ونیز گویند پنج خط در پیشانی
علامت صد سالہ عمر باشد وچہار خط علامت ہشتاد سالہ عمر وسہ خط علامت
شصت سالہ عمر ودو خط علامت چہل سالہ عمر ویک خط علامت بست سالہ
عمر وعدم خط علامت کم عمری بود وخط مثلث در پیشانی یا خط راست
قایم مثل حرف الف علامت ریاست ومہتری بود وزنان او را دوست
دارند یک خط در گلو علامت علم ودانش بود ودو خط علامت ہنرمندی
باشد وسہ خط علامت ہوشمندی ودانائی بود یک خط در بندگاہ دست نزدیک

نزدیک پنجه علامت سعادت و دولت بود و دو خط علامت علم و دانش بود و سه خط علامت کمال زهد و ریاضت بود در کف دست خطوط بشکل خندق یا قلعه یا برق علامت تجارت و بازرگانی و مالداری بود بشکل ماهی علامت دولت و نعمت و فتح الباب باشد و بشکل دیگدان علامت درزدی بود و خطی بشکل هلال یا یک فیل علامت دولت و مال و تهور و شجاعت باشد و بشکل تیغ در کف دست علامت تهور و شجاعت بود اما آنکس اکثر در بند زندان باشد و بشکل مثلث در کف دست علامت دولت و مال بود و پس اگر خط مذکور از طرف زیر گشاده باشد یعنی خط اینطرف سراسر نرسیده و احاطه تامه نکرده باشد بلکه از میان بسته بود علامت آنست که مال بفسق و فجور در بزنان فاحشه و قحبه تلف کرده و اگر گشاده باشد علامت آنست که مالش بدزدی رود یا بسوختن و غرق شدن و امثال آن تلف کرده و اگر پشت از طرف بالا گشاده باشد علامت آنست که اصلا مال بدستش نیاید و همیشه نکبت و فلاکت بکذرانند بهر حال درست و سالم بودن خط مذکور از پشت علامت جمع شدن دولت و مال و گشاده و ناقص بودن آن علامت تلف شدن مال است و اگر خطی از زیر کف دست بالا رود و با انگشت سبابه یا وسطی برسد علامت

دولت و مال بود و اگر آن خط بر خط شکسته بگذرد و بغایت نیکو باشد و خطیکه
از نزدیک بیخ انگشت خنصر ببالا رود و پس اگر آن میان سبابه و وسطی منتهی گردد
و از هیچ جا گسسته و منقطع نشده باشد علامت درازی عمر بود و درازی
و کوتاهی عمر را او درازی و کوتاهی این خط معلوم نماید و بر کنار کف دست
ما بین خط مذکور و خنصر هر قدر که خطهای خرد باشد همان قدر دلالت بر زنان
کند که بنکاح او در آیند اگر یکی باشد یکزن و اگر دو باشد دو زن و زیاده بر آن
و ما بین خط مسطور و بند دست بر کنار کف دست هر قدر که خطوط خرد باشد
بر همان قدر عدد فرزندان دلالت کند دراز بر پسران و خرد بر دختران
و در زیر بیخ انگشت ابهام تا نصف کف دست در عرض خطوط خرد
بر اولاد و فرزندان دلالت کند و خط بندهای انگشتان که بشکل جو بود گشاده
و فراخ و علامت فراخ دستی و همت و خرج بسیار بود و خطیکه بشکل کجک فیل
در کف پا باشد علامت سلطنت و دولت بود و خطیکه از پاشنه پا ببالا رود
و بانگشت ابهام منتهی گردد علامت دولت و نعمت بود و اگر خط سه شاخه
در بطن انگشت وسطی باشد علامت عیش و عشرت باشد و اگر در بطن انگشت ابهام
بود علامت فسق و فجور بر زنان باشد و اگر در بطن خنصر بود علامت تباهی و ضیعت

شبیه چکر

و ریاضت و عرفان باشد یک چکر در انگشتان هست علامت دولت و مال بود و دو
چکر علامت علم و هنر باشد و سه چکر علامت دولت و سعادت بود و چهار
چکر علامت فلاکت و نکبت بود و پنج چکر علامت هنر و عیش و فلاح بود
و شش چکر علامت شهوت و لذت و عیش و عشرت باشد و هفت چکر
علامت شجاعت و تهور باشد و هشت چکر علامت خشم و غضب باشد و نه
چکر علامت دولت و سلطنت بود و ده چکر در بطن انگشتان هر دو دست

شبیه سنکه

علامت دولت و فتح الباب باشد یک سنکه در بطن سر انگشتان دست و
علامت دولت و راحت بود و سنکه بالفتح خطوط تو بر تو در بطن سر انگشت
شبیه چکر مائل به درازی سر انگشت و دو سنکه علامت نکبت و فلاکت باشد
و سه سنکه علامت دریوزه گری و گدائی بود و چهار سنکه علامت علم و هنر باشد
و پنج سنکه علامت نکبت و فلاکت بود و زیاده بر پنج سنکه تا ده سنکه علامت

شبیه پدم

دولت و سلطنت باشد یک پدم در بطن انگشتان دست تا چهار پدم
علامت دولت و مال بود و پدم بفتح اول و سکون ثانی و میم خطی بود بشکل گل
چهار برگی و از چهار پدم تا نه پدم علامت دولت و طالع مندی بود و ده
پدم در انگشتان هر دو دست علامت کمال فقر و دانش و ترک دنیا باشد

کوری در بطن انگشتان نیست از یکی تا پنج علامت زیادو ورع و تقوی
و پرهیز باشد و زیاده از پنج تا ده علامت کمال درویشی و فقر و عرفان بود
کوری بفتح کاف خطوطی باشند بشکل خرمهره و خطوط آن بسیار در کف دست
زیاده برسه خط علامت محنت و رنج و کذب و دروغ و کودلی بود و پوشیده
نماند که در دیدن خطوط دست و پا در مردان طرف راست اعتبار کنند و در
زنان طرف چپ **نوع سوم** در بیان قد و قامت باید دانست که قد پنجاه
و دو انگشت علامت کمال فضل و عزت و اعتبار باشد و اما دلالت بر درویشی و
در یوزه نیز کند و مقدار هشتاد انگشت علامت دزدی و بی اعتباری و فریبندگی
و حرص و طمع و بد فعلی و بد عملی باشد و مقدار نود انگشت در مرتبه ادنی بود و مقدار
صد انگشت در مرتبه اعلی و قد یکه مقدار نود انگشت باشد دلالت بر سی ساله
عمر کند و از نود انگشت تا یکصد و ده انگشت آنچه بیفزاید بهر انگشتی پنج ساله
عمر بیفزاید مثلا قد نود و یک انگشت دلالت بر سی و پنج ساله عمر کند و نود و دو
انگشت بر چهل ساله عمر و علی هذا القیاس تا یکصد و ده انگشت بهر انگشتی پنج ساله
بیفزاید چنانچه یکصد و ده انگشت دلالت بر یکصد و سی ساله عمر کند و از یکصد و ده انگشت
تا یکصد و بیست انگشت آنچه بیفزاید بهر انگشتی هفت ساله عمر بر یکصد و سی سال عمر بیفزاید چنانچه

چنانچه قد یکصد و یازده انگشت دلالت بر یکصد و سی هفت ساله عمر و قد یکصد و
دوازده انگشت دلالت بر یکصد و چهل و چهار ساله عمر کند علی هذا القیاس هر
انگشتی هفت ساله عمر بیفزاید چنانکه یکصد و بیست انگشت قد دلالت بر دو صد
ساله عمر کند و چون از یکصد و بیست انگشت قد بیفزاید عمر جاودانی یابد
و علم ازلی حاصل کند والله اعلم **فصل دوم** در معرفت قیافه زنان از پای
تا سر بدین تفصیل **کف پای** نرم و خوش گوشت چنانکه چون پای
بر زمین گذارد تمام کف پای بر زمین برسد و نقش پای درست ظاهر گردد
علامت سعادت و دولت بود و اگر میانه کف پای بر زمین نرسد علامت
شقاوت و بیوگی بود و پشت پای خوش گوشت و هموار مثل پشت کشف علامت
سعادت و دولت بود و خشک و دراز و کاواک علامت محنت و فلاکت بود
شکل پدم یعنی گل کنول و چکر یعنی دائره تو بر تو در کف پای علامت سعادت
و دولت بود و هر چند شکل پدم و چکر بر کف پای بیشتر همانقدر سعادت و دولت
زیاده تر و اگر در کف پای شکل چتر یا انکس یا فیل باشد علامت سلطنت و سعادت
و دولت باشد آن زن البته پادشاه شود یا هر که او را نکاح در آرد آنکس بدولت
عمده برسد و اگر شکل سنکه باشد یعنی دائره مائل بدرازی شبیه بچکر علامت

غصه وری و بدخوئی و بدخلقی بود و اگر در میانه کف پای خطی بود دراز چنانکه
از پاشنه تا انگشتان پای برسد چنانکه در فصل اول ازین باب گذشت علامت
سعادت و دولت بود و اگر انگشت ابهام پای باریک و سرخ بود علامت
آن بود که آن زن در رضاجوئی و فرمانبرداری و اخلاص مندی شوهر بسیار
کوشد و فربهی و کندگی ابهام پای علامت آن بود که آن زن زود بیوه
گردد و اگر انگشت سبابه پای دراز تر از انگشت ابهام باشد علامت آن بود
که آن زن پرشهوت باشد و مرد بیگانه را بسیار دوست دارد و اگر از حد
زیاده دراز باشد آن زن در وقت دوشیزگی بدکاره بود و اگر انگشت بنصر
خرد باشد علامت بدخوئی و بدخلقی بود و اگر انگشت وسطی پای دراز تر باشد
علامت بدفعلی بود بعضی گویند زود بیوه گردد و اگر ان انگشت از پای راست
بزمین نرسد آن زن پیش شوهر بی اعتبار بود و شوهر گفته او را قبول نکند و اگر
همان انگشت از پای چپ بزمین نخورد و علامت دولت بود و اگر انگشت بنصر
پای از وسطی دراز تر بود آن زن بیوه گردد و اگر انگشت بنصر خرد تر باشد
علامت بدخلقی و بدخوئی بود و اگر همان انگشت بزمین نرسد و معلق ماند و شوهر
کند و اگر انگشت خنصر پای دراز تر بود دلیل هشیاری و حیائی بود و آن زن

زن شوهر بسیار کند و اگر خرد تو بر تو و بر زمین بخورد و نیز علامت بدفعلی بود و البته
شوهر دیگر کند و اگر انگشت مذکور از پای چپ بر زمین نرسد علامت سعادت و بخت بود
و هر کس او را دوست دارد و اگر چهار انگشت پای بر زمین نرسد چهار شوهر او را میسر
و پاشنه پای اگر دراز باشد شوهر او را بسیار دوست دارد اما از شوهر جدائی بسیار
کشد و دیور او را یعنی برادر خرد شوهرش را بیم هلاک باشد و اگر کنده و سطبر باشد
علامت نکبت و فلاکت بود و اگر از طرف راست اندکی فربه و کنده بود علامت
شرم و حیا و عصمت و عفت باشد و پاشنه میانه و نرم و نازک علامت دولت
و سعادت بود شتالنگ کنده و بلند مثل شتالنگ گاومیش علامت قید
و زنجیر و شلاق شوهر باشد ساق پای خوش گوشت و کاودم و صاف و بی موی
علامت سعادت و دولت بود و ساق سطبر و پر موی علامت پرستاری
بود و ساقی که مثل ساق زاغ و اندک موی باشد و مویش مثل موی خر بود شوهرش
همیشه پریشان احوال باشد و اگر در وقت راه رفتن از ساقش و پا از مهره و کمرش
آواز بر آید فرزندش نزید و شوهرش بمیرد زنیکه اندام نهانی او پست و بلند باشد
آن زن بدکاره بود و شوهر بسیار کند و اگر مانند پشت کشف باشد یعنی اندکی
پشته دارد و خوش گوشت و خوشنما باشد علامت سعادت و دولت بود

واگر بلند باشد نیز علامت دولت بود واگر خرد باشد علامت توانگری و مالداری بود و مع ہذا اگر درشت و سخت و پر موی مثل موی فیل باشد آن زن البتہ کنیز و پرستار گردد واگر از جانب راست اندکی بلند باشد علامت نیکبختی بود اما بسیار پسران زاید واگر دراز و خشک و بی گوشت باشد علامت شقاوت و ملالت و فلاکت باشد واگر بر پیشانی اندامش بھونری باشد اورا فرزندان صاحب دولت بسیار باشند واگر بجانب راست اندامش یا بر پیشانی آن خال سرخ باشد علامت دولت و سلطنت بود واگر داغ سیاه باشد و مع ہذا اوراز بود علامت رنج و محنت باشد و سرین پر گوشت و بلند و پهن علامت سعادت و دولت بود و کمر باریک مثل کمر شیر و یوز علامت سعادت و دولت بود و کمر فربه و ستبر علامت اندیشه بود و ناف عمیق علامت آنست که شوهرش بسیار بخواهد و دوست دارد و ناف مدور خوش گوشت علامت عیش و عشرت بود واگر در ناف چند چین باشد و موی شکم برنگ طلا باشد علامت سعادت و دولت بود و آن زن البتہ پادشاه شود واگر از سر ناف تا زیر خطی باشد از مویهای نرم و باریک علامت دولت و سعادت بود اگر ناف جانب راست اندکی بلند بود علامت سعادت و دولت بود واگر

واگر بر نافش خال زرد مثل زعفران باشد علامت دولت بود و پسران زاید و ناف کم گوشت برون بر آمده علامت نکبت و فلاکت بود و شکم خوش گوشت خوش اندام ماهی پشت علامت سعادت و دولت بود و شکم که مانند پشت غوک یعنی پهن و پر گوشت باشد علامت پسر زائیدن و صاحب دولتی باشد واگر بر شکم رگهای نیلگون نمودار باشد خواه زن باشد خواه مرد علامت سلطنت و دولت بود واگر رگهای سرخ بود علامت بدفعلی و قحبگی باشد واگر مرد باشد علامت فسق و فجور و زنا بود واگر بر شکم لاهسن یعنی لکه سیاه باشد علامت فقر و درویشی و سرگردانی بود خواه زن باشد خواه مرد واگر بر سینه رگهای سرخ باشند علامت علم و دانش و دولت و مال بود و شوهرش بسیار دوست دارد و سینه بلند و تنگ علامت رنج و محنت بود و پشت بلند علامت پرستاری بود و پشتی که مثل پشت کلنگ باشد یعنی اندکی پشته دار علامت قوادگی و دلالگی باشد و پشتیکه مثل پشت آهو باشد علامت سعادت و دولت بود و موی بر پشت علامت نکبت و فلاکت بود و بی موئی بر پشت علامت رنج و محنت بود و شوهران بسیار را هلاک سازد و لهسن بر پشت یعنی داغ سیاه علامت دولت و سعادت بود واگر بر پشت رگها نمودار باشد علامت درازی عمر بود و پشت دراز کاواک علامت

رنج و محنت و فلاکت بود و پستان زن خوش قبه و خوش گوشت و سخت خصوصا
که در گاه باران نمودار باشد علامت سعادت و دولت بود و شوهرش
بسیار دوست دارد و پستان دراز پر گوشت علامت فرزندان و اولاد بسیار
بود و پستان بسیار دراز کم گوشت علامت رنج و محنت و فلاکت بود و خرد
و کم گوشت نیز مثل خریطه خالی نیز علامت نکبت و فلاکت باشد و پستان
بلند بی اندام و درشت ترکیده جلد علامت کنیزی و پرستاری بود و درشت
جلد سرخ رنگ علامت بی فرزندی باشد و اگر زیر پستان خال سرخ یا سیه
سرخ واقع شود آن زن اول پسر زاید خصوصا که خال یا سیه جانب چپ باشد
و اگر آن خال بر پهلو یا بر کله یا بر گوشت یا بر پوست جانب راست باشد نیز
علامت همین حکم دارد و اکثر پسر زاید و اگر یک پستان سخت باشد و دیگری
نرم یا یکی کلان و دیگر خرد علامت رنج و محنت و غم و اندیشه بود و کف دست
خوش اسلوب و خوش گوشت و خوش اندام و نرم و نازک و کف دست
سرخ مثل گل علامت سعادت و دولت بود و خشک کم گوشت و کاواک و
و سیاه بالعکس آن باشد ناخن پشته دار و همواره مثل پشت کشف باریک و سرخ
رنگ و براق مثل برگ گل علامت سعادت و دولت بود و ناخن سطبر و درشت و خرد

وفرو نشسته و بیجلا ناهموار و ترکیده و زرد یا سیاه رنگ همه بر عکس این باشد
و اگر در کف دست نشان پدم یعنی کل کول و چتر و بیرق و ماهی و مالا یعنی تسبیح و
کوڑی یعنی خرمهره باشد علامت سعادت و دولت بود و آن زن البته بادشاه
شود یا شوهرش بدولت عظیم برسد و باقی خطوط دست زن مثل خطوط دست مردان
میباشد مگر در مردان دست راست معتبر ست و در زنان دست چپ چنانکه در
نوع دوم از شعبهٔ اول گذشت **گردن و گلو** که مثل گردن و گلوی آهو
باشد علامت سعادت و دولت بود و گردن کوتاه و باریک یا بسیار
سطبر و فربه علامت رنج و محنت و فلاکت بود و گلوئی که حلقوم دراز و
سطبر و بد اندام علامت محنت و فلاکت بود **زنخدان** میانه خوش گوشت
و مدور علامت سعادت و دولت بود خصوصا که چاه داشته باشد و زنخدان
دراز و کم گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و اگر مع هذا بر زنخدان موی
باشد بدتر بود و بیوه گردد و غبغب خوش گوشت که یک چین داشته باشد
علامت سعادت و دولت بود و **لبهای** سرخ و باریک بحد اعتدال
علامت سعادت بود و لبهای سیاه و دراز علامت فلاکت و بیوگی بود
و اگر مع هذا بر پشت لب موی باشد مثل بروت مردان بدتر بود و

و آن زن تمام عمر در بیوگی و نکبت و فلاکت بگذراند و دهان تنگ مثل غنچه گل
یا دهان پسته علامت سعادت و دولت بود و دهان فراخ و دراز چنانچه در وقت
خنده همه دندانهای کرسی نماید علامت رنج و محنت و فلاکت بود و دندانهای
خرد و براق و آبدار مثل دانه انار علامت سعادت و دولت بود و دندانهای
بس دراز و بلند و بیجا علامت نکبت و فلاکت بود و دندانهای ناهموار
و پست و بلند علامت آنست که فرزندانش نزیند و بمیرند لثه یعنی سیاه و
سیاهی گوشت بیخ دندان علامت نکبت و فلاکت بود و بعضی بالعکس گفته اند
زبان سرخ و باریک علامت سعادت و دولت بود و زبان ستبر
و سفید و درشت علامت نکبت و فلاکت و بیوگی بود و آن زن همیشه بیوه
باشد و اولادش نزید و زبان سیاه علامت جنگ آوری و بدخلقی
و بدخوئی و بدبینی زبان بود یعنی هرکه بد گوید و هر سخن بد که از زبان برآید
اثر آن بود و ظاهر شود و کام سرخ میانه گوشت علامت سعادت و دولت
بود و کام سفید علامت کنیزی و پرستاری بود و کام زرد علامت
فسق و فجور و درد و نکوئی باشد و کام سیاه علامت نکبت و فلاکت و بدخلقی بود
بود و کام فربه و پرگوشت علامت بی دولتی باشد یعنی میانه و خوش

بود خوش اندام مثل منقار طوطک و غنچهٔ گل چینیا و غیر آن علامت سعادت و دولت بود
و بینی خرد و فربه و از پیش فرو افتاده علامت کنیزکی و پرستاری بود و بینی
پهن مثل بینی گربه علامت فسق و فجور و بدکاری بود و اگر سر بینی بسیار دراز
و نوکدار باشد علامت خشم و غضب و بدخلقی بود و اگر در رخسار بوقت سخن گفتن
یا خندیدن مغاک افتد مادر و پدر آن زن بمیرند و بعضی گویند آن زن شوهر
خود را خوش نکند و دیگری را بخواهد و خودکام باشد چشمهای دراز و بغایت
سیاه و سفیدی چشم نهایت سفید و رگها در و باریک سرخ و سفیدی چشم
پراکنده و آبدار و پر شرم علامت سعادت و دولت بود و چشمهای سرخ علامت
رنج و محنت بود و چشمهای ازرق علامت بدکاری و بدعملی و شرارت و بدذاتی
باشد و چشمهای مایل بزردی علامت عقل و شعور بود اما زود بیوه گردد و ابرو
دراز کشیده و خمیده و خوش موی و دنباله دار علامت سعادت و دولت باشد
و ابروی کج کوتاه و بیموی و کم موی علامت رنج و محنت و فلاکت و بیکسی بود
و ابروی پیوسته که میان هر دو ابرو موی بسیار باشد علامت بدکاری و بدعملی و بیحیائی بود
گوش پهن و کلان مثل نعلین افشان علامت نکبت و فلاکت و بیوگی بود و موی کنار گوش
علامت نکبت و فلاکت باشد و پیشانی که بمقدار سه انگشت یا چهار انگشت عریض بود

و دراز و بلند و هموار و از موی صاف و پاک بود علامت سعادت و دولت بود خال سیاه
در پیشانی علامت آنست که آن زن پنج پسر زاید و همه دولتمند باشند و اگر وقت خنده در
پیشانی چین نیفتد علامت دولت بود و اگر در پیشانی خطی مثلث ظاهر شود علامت
آنست که آن زن بر هزار زنان خداوندی و صاحبی حکم رانی کند و پیشانی
تنگ و پر موی علامت نکبت و فلاکت باشد موهای سر دراز و سیاه
و براق علامت سعادت و دولت بود و موهای سطبر و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه در سر و میگون مائل بزردی که پراکنده و پریشان باشد و بر دوش
و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان و ایستاده ماند علامت نکبت و فلاکت و
بدگوئی و بدخلقی بود موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و بدفعلی بود
و موی بر گردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنیکه بر چهره اش موش علامت
شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش موهای بسیار باشد علامت کنیزی و پرستاری
بود و موهای بسیار و درشت بر بدن مثل موی فیل و گاو علامت نکبت و کنیزی و
پرستاری بود و اگر در عضوی بعضی جا نباشد و خم و پیچ خورده باشد علامت بیوگی
باشد چنانچه زیاده از شش باره شوهرش نزاید و در مسامی یکموی علامت نکبت
و دو موی بعکس آن باشد اگر در عرق بدن زنی بوی خوش آن یا بوی تلخ مثل بوی حنظل و گل

ودراز و بلند و هموار و از موی صاف و پاک بود علامت سعادت و دولت و جلال بسیار
در پیشانی علامت آنست که آن زن پنج پسر زاید و همه دولتمند باشند و اگر وقت خنده در
پیشانی چین سفید علامت دولت بود و اگر در پیشانی خطی مثلث ظاهر شود علامت
آنست که آن زن بر هزار زنان خداوندی و صاحبی و حکمرانی کند و پیشانی
تنگ و پرموی علامت نکبت و فلاکت باشد موهای سر دراز و سیاه
و براق علامت سعادت و دولت بود و موهای سطبر و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه در سر و میگون مایل بزردی که پراکنده و پریشان باشد و بر دوش
و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان و ایستاده ماند علامت نکبت و فلاکت و
بدگوئی و بدخلقی بود و موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و بدفعلی بود
و موی برگردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنیکه بر چهره اش موی باشد علامت
شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش موهای بسیار باشد علامت کنیزی و پرستاری
بود و موهای بسیار و درشت بر بدن مثل موی فیل و گاو علامت نکبت و کنیزی و
پرستاری بود و اگر در عضوی بعضی جا نباشد و خم و پیچ خورده باشد علامت بیوگی
باشد چنانچه زیاده از شش ماه شوهرش نزید و در مسامی یکموی علامت نکبت
و دو موی بعکس آن باشد اگر عرق بدن بوی خوش یا بوی تلخ مثل بوی خنب و گل

وکل لوطری یا بزیا گربه آید این همه علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر بوی سیر
وشاش گاو و مستی فیل و گندیک و زرنیخ و چهچوندر و ماهی آید و ریحه منتن و گندیده
باشد و مانع آنرا تحمل نتواند کرد این همه علامت نکبت و فلاکت و بیوگی و بی فرزندی
واگر بوی لک یعنی لاکه آید او را زوج بهم نرسد و اگر بوی کل چینا باشد یا شهد آید
علامت سعادت و دولت بود و اگر از دهانش روائح خوش و پسندیده آید نیز علامت
خیر و سعادت ست و اگر روائح منتنه و گندیده آید علامت نکبت و فلاکت و بی خیری
شوهر باشد و زنیکه بسیار دراز بالا یا کوتاه یا بسیار خشک و لاغر یا بسیار فربه و پرگوشت
باشد علامت بد بود و زنیکه بسیار خواره و بسیار خواب یا پرگوی یا بسیار خاموش
باشد و یا بی سببی حیران و فکر زده بماند و همیشه مغموم باشد و بیوجه بسیار خندد و یا
بگرید و یا بسیار خشم گیرد علامت نکبت و فلاکت باشد و زنیکه در راه رفتن
بسیار بجنبد و خم و چم بسیار داشته باشد و چشمهای شوخ و شنگ داشته باشد
و دیده را در کاسه چشم بسیار بگرداند و پشت چشم نازک کند علامت بدکاری
و عیاری بود و بهر تقدیر حسن خلقت و صورت و تناسب اعضا و حسن سیرت
و مکارم اخلاق علامت سعادت و دولت بود و
بالعکس ان عکس آن باشد والله اعلم

خاتمة الطبع

نتیجۂ طبع وقاد جناب افادت مآب ماہر بحر علم و فن واقف رموزات سخن مقبول بارگاہ لایزالی

مولوی محمد ہادی علی مدظلہ العالی

حمد خدائی که خلایق را بصورت خویش فرموده علامات خیر و سعادت در جسم انسان منقوش و منقش گردانید که عرش رنگ هستی بر رخسار ممکنات بست و از خامه اختراعش نقوش گوناگون کرسی ایجاد نوشت و درود و بر آن سرور عزیز والا شاهد لعمرک متناسب الاعضا که با ملاحت روی زرنگین آورده و در مصر جهان بهای یوسفی کرد صلی الله علیه و آله وسلم بزم امکان به جمال جهان آرایش یوسف ثانی گشت زاهد امیدوار از پرتو حسنش تازه بستانی علیه التحیة والسلام و علی آله و اصحابه الکرام بعد ازین مخفی نماند که این صحیفه عزت نشان علامات سعادت و شقاوت کارنامه بزرگان و هوشمندان رساله قیافه مردان و زنان که علمی است عجیب کاشف نکات مستور اسرار تکوین بشر در آن مشهور و تماشای قدرت یزدانی از آن میسر باهتمام انسان العین قرة اعین الانسان بخت و دولت همراه حامی متین مولوی محمد حسین در مقام سرور شهر کانپور محله حیر محال متصل چوک مکان سیتارام صفار یازدهم ذیقعده سنه ۱۲۶ هجرت سید الابرار علیه و علی آله و صحبه و بی المجد الاکرم نقش صفحه انطباع گردید

و رنگ اختتام بر رو کشید